

وارونگی جهان یکبار دیگر در مقابل چشمان ما



مصطفی رشیدی

اند. این مناطق و این مردم چهره و سرگذشت زندگی‌شان آشناست. خوشبخت‌ترین آنها در سواحل تایلند و اندونزی کسانی هستند - یا کسانی بودند - که به برکت کار و خدمات بشدت ارزان بهشت مناسبی برای یک صنعت عظیم توریستی در خدمت طبقه پایین شهروندان غربی پدید آورده بودند. تصاویر مخابره شده، در مقابل فاکتهای آنچنانی از زلزله و سیل متعاقب آن، بیش از هر چیز زندگی این مردم را به معرض قضاوت میگذارد. تکه‌های چوب و حلبی که سرپناه آنها بوده است. مایملکی ناچیز که هیچ نشانه‌ای از آن باقی نیست. شغل، تامین و مامنی که کسی سراغی از آن ندارد. تسهیلات و بهداشت و ارتباطات و حفاظتی که نشانه‌ای از آن دیده نمیشود. چگونه این مردم، خود و دارو ندارشان و خانواده و عزیزانشان میتوانسته‌اند در مقابل کمترین تعرض طبیعت محافظت گردند؟ و همین مردم و با به گل نشستن همه هست و نیستشان، بیدفاع تراز همیشه هم اکنون در معرض فاجعه ای به همان اندازه خانمان برانداز بر اثر ابیدمی بیماری‌های مختلف قرار دارند. این مردم محکومند که همانجا و برای ادامه همان سرگذشت باز هم از خود مایه بگذارند. اینبار با دستی خالی تر، با بار کم‌رشدن از عزیزان از دست رفته‌شان، برای زنده ماندن، برای جلب توریستها باز هم با طبیعت و دولت خودی حاکمه، هر دو به یک اندازه بیرحم و بی تفاوت، دست به گریبان گردند.

از سحرگاه ۲۶ دسامبر تاکنون جامعه جهانی در مقابل ابعاد عظیم فاجعه زلزله در حاشیه اقیانوس آرام رنگ آرامش به خود ندیده است. با گذشت هر ساعت، دامنه تازه تری از آن به خبرگزاری‌ها و بازماندگان این رویداد مخابره میگردد. همه چیز در مقیاسهای بزرگ و بیسابقه سیر میکنند. زلزله‌ای با شدتی بیسابقه در ۵۰ سال اخیر، امواجی با ارتفاع بیمانند در ۳۰۰ سال اخیر، بیش از صد هزار کشته، دست کم ۵ میلیون نیازمند کمک فوری، شهرها و جزایر با خرابی تقریباً کامل، و جزییات بیشتر از قربانیان دست در دست هم افکار عمومی دنیا را به زانو در آورده است. چرا باید قرعه نمایش قدر قدرتی طبیعت، گیرم هر چقدر کور هم که باشد، نصیب این مردمان گردد؟ این مناطق برای مردم جهان از قبل شناخته شده‌اند. تصاویر مناطقی که امروز بصورت خرابه‌ای مطلق و در برگیرنده بیشمار از کشته شدگان معصوم و بازماندگانی مستاصل در مقابل مان قرار دارد تا همین دیروز با سرتیتر سیل، اپیدمی‌ها، جنگ داخلی و قحطی صفحات روزنامه‌ها و تلویزیونها را پر کرده

اعتصاب کارگران نساجی سنندج، مطالبات و اقدامات



حسین مرادبیگی

خود را پیش ببرد. اما هر بار با مقاومت کارگران روبرو شده است، عقب نشینی‌هایی کرده است، قول و قرارهایی داده است و بعد از مدتی دوباره شمشیر اخراج و بیکارسازی را جلو کارگران گرفته است. این بار نیز کارفرما ۶ نفر از کارگران را اخراج میکند که با مقاومت یکپارچه کارگران روبرو میشود.

سابقه اعتصاب و خواستههای کارگران

ظرف یک سال گذشته این چهارمین بار است که کارگران کارخانه نساجی سنندج ناچار از اعتصاب میشوند. این کارخانه اکنون حدود ۴۲۰ کارگر دارد. اعتصاب کارگران عمدتاً در تقابل با اخراج کارگران توسط کارفرمای این کارخانه صورت گرفته است. دولت و کارفرما از مدتها قبل تصمیم میگیرند که اخراج و بیکارسازی را به کارگران این کارخانه نیز مانند دهها و صدها مرکز کار دیگر در سراسر ایران، تحمیل کنند. به این جهت کارفرما هر بار با لیستی از کارگران اخراجی به میدان آمده است، خواسته عکس العمل کارگران را در این مورد به بیند تا با در نظر گرفتن تناسب قوا تدریجاً سیاست اخراج و بیکارسازی

گفته میشود امکانات تکنیکی شناخته شده و موثری برای آمادگی بموقع در مقابل زلزله و امواج در دریاها و آنهم بخصوص مدارهای معین زمین لرزه، در بازار جهانی برای فروش موجود است. گفته میشود دوایر دولتی چند کشور منطقه زنگ خطر وقوع فجایع را دریافت داشته‌اند. و کماکان هیچ اقدامی برای حفاظت مردم صورت نگرفته است. و بجز موج گذرایی از اقدامات خیره‌ر قرار هم نیست که چیزی در زندگی آنها تغییر یابد. زلزله اخیر و فجایع پیامدهای آن لکه‌نگی بر پیشانی بشریت مدرن است. این گواه، سنبل و نمایش زمخت و عریان آن چیزی است که این بشریت بر خود و هم‌نوعان جامعه خویش روا میدارد. این بیان لخت و عور منطق کور زور، فقر، و فریبکاری‌ای است که اکثریت شهروندان را در معرض فقر، در معرض برهنگی و بیخانمانی، در معرض بیماری و رنجوری و در معرض قهر طبیعت به کشت میدهد. دنیای ما میتوانست شاهد بکارگیری کارایی تکنیکی خود در برتری بر سرکشی "بازیگوشانه" اعماق زمین و اقیانوسها باشد. دنیای ما میبایست شاهد محاکمه مسعولان دولتی به عنوان مجرمین و مسببین خرابی‌ها و بعنوان بخشی از تسلی و تضمین زندگی خود در مقابل این فاجعه میبود. دنیای ما با تمدن و رفاه و امنیت میتوانست پاسدار شایسته انسانیت مدرن باشد. وارونگی این جهان یکبار دیگر در سوگ و سرگردانی و نیستی زندگی میلیونها انسان همسرنوشتمان در مقابل چشمان ماست. ■

در صفحات دیگر:

* حمایت اتحادیه کارگران ساختمانی
فنلاند از کارگران نساجی سنندج

* گفتگوی اسماعیل ویسی با ثریا
خضری، حسام منتظری و عباس رضائی در
باره نشست اول شورای کادرهای کمیته
کردستان حزب

* اطلاعیه‌های کمیته سنندج و سقز
در رابطه با اعتصاب کارگران نساجی و
تومار حمایتی ۲۵۰ نفر از کارگران و
مردم مبارز سقز از این اعتصاب

شيفتها، يکپارچه در برابر اخراج ۶ نفر از رفقای کارگر خود مقاومت میکنند، ميگویند یا اخراج کارگران متوقف میشود و این کارگران به سرکار خود باز میگردند، یا آنها دست به اعتصاب خواهند زد. کارفرما مطالبه کارگران را بی جواب میگنارد، کارگران نیز دسته جمعی در تاریخ ۸۳\۱۰\۲ ناچار اعتصاب خود را شروع میکنند که با گذشت دو هفته از آن، این اعتصاب همچنان ادامه دارد.

جمهوری اسلامی و کارفرما

کارفرما از همان ابتدای شروع اعتصاب بجای رسیدگی به خواست برحق کارگران، مطابق معمول شروع به تهدید کارگران کرد. اوایل ظاهراً استناداری و اداره کار و دستگاه سرکوب رژیم اسلامی دخالت مستقیمی نمیکنند و کارگران هرچه بود با هیئت مدیره کارخانه که دولتی است طرف بودند. اکنون همه دست به یکی کرده اند، از استناداری جمهوری اسلامی گرفته تا اداره کار که ظاهراً کارش میانجیگری بین کارگر و کارفرماست، تا دستگاه اطلاعات و سرکوب جمهوری اسلامی، همه علیه کارگران دست به یکی کرده اند. یک روز کارگران را تهدید میکنند که اگر به سرکار خود برنگردند و به اعتصاب پایان ندهند همه کارگران را اخراج میکنند و در کارخانه را می بندند. یک روز کارگران را به غیر قانونی بودن اعتصاب خود تهدید میکنند، از انعکاس رو به بیرون اخبار مربوط به این اعتصاب جلوگیری میکنند، کارگران را به بیکاری و گرسنگی و نهایتاً بکارگیری دستگاه زور و سرکوب خود و احضار به دادگاه تهدید میکنند. تا کنون دو بار یکی از نمایندگان کارگران، شیث امامی را به دادگاه احضار کرده اند. دولت و کارفرما برای درهم شکستن اتحاد کارگران مرتب در پی بهانه جویی هستند و از هر طرفندی برای دست کشیدن کارگران از اعتصاب، استفاده میکنند. میگویند کارگران بیخود اعتصاب میکنند، کارخانه در هر حال تا چندماه دیگر تعطیل میشود و همه را اخراج خواهند کرد و از حق سنوات هم خبری نخواهد بود. خوشبختانه بعلمت اتحاد و همبستگی سفت و سخت کارگران، تاکنون دولت و کارفرما در پیشبرد طرفندها و تهدیدات خود ناکام مانده اند و کارگران همچنان سر خواستهای خود هستند. کارگران جمهوری اسلامی را بعنوان رژیم ضد کارگر می شناسند به تهدیدات و طرفندهای ضد کارگری رژیم در تقابل با کارگران آگاهند، جز این انتظاری از رژیم اسلامی ندارند، تنها به اتحاد و همبستگی خود و حمایت و همبستگی دیگر کارگران و مردم معترض به جمهوری اسلامی چشم دوخته اند. وضعیت کنونی طبقه کارگر در ایران در واقع خود نتیجه مستقیم تحمیل فقر و فلاکتی است که جمهوری اسلامی با در پیش گرفتن سیاست اخراج و بیکارسازیها و با یورش به معیشت روزانه کارگر و خانواده کارگر به طبقه کارگر ایران تحمیل کرده است. این را کارگران میدانند. تقابل و رویارویی کنونی کارگران نساجی نیز بخشی از اعتراض طبقه کارگر به جمهوری اسلامی و کارفرمایان و حلقه ای از یک مبارزه وسیعتر است که طبقه کارگر باید خانواده اش!

برای پایان دادن به توحش اسلامی و هر نوع ستم و استثماری در جامعه، وارد میدان شود.

حقیقت این اعتصاب

اعتصاب کارگران نساجی سنندج حرکتی است عادلانه با خواستهای برحق، و طعنه آمیز این است که در دنیای کنونی که اینهمه امکانات مادی و غذایی و غیره هست که چند برابر ساکنین کره زمین را نیز کفایت میکند، این اعتصاب و خواستهای آن تلاشی است برای زنده ماندن صرفاً! خواست پرداخت حقوق ماهیانه، خواست جلوگیری از اخراج و بیکارسازی که کارگران مصائب هولناک ناشی از بیکاری را زیر حاکمیت اسلام دارند تجربه میکنند. خواست پرداخت خرج دوا و درمان، در واقع خرج خسارت جسمی ناشی از عدم ایمنی محیط کار به کارگر، خواست پرداخت یک وعده غذای گرم، اینها خواست کارگران نساجی هستند که مشابه خواست اکثریت عظیم کارگران در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. کافی است تا این را با لفت و لیس صدها هزار آخوند انگل و مفتخور و "آقازاده ها" و مشتی سرمایه دار سوذجو و خرج دستگاه سرکوب و تروریسم جهانی جمهوری اسلامی مقایسه کنید، تا به عمق شدت استثمار و آنچه که بر طبقه کارگر و بخش وسیعی از مردم ایران میگذرد پی ببرید. این خواستهای است بر پشیمانی سرمایه و دولتیهای مدافع آن. کارگر را بر سر دوراهی مرگ و زندگی قرار میدهند، ناچار از اعتصاب میکنند، بعداً او را تهدید میکنند که چرا اعتصاب کرده است! ماهها حقوق موقوفه کارگر را نمیدهند، کارگر که خواستار حق و حقوق خود میشود نیروی انتظامی و دستگاه سرکوب را برای خواباندن اعتصاب او گسیل میدارند. از پرداخت حقوق کارگر خودداری میکنند، همراه آن آب و برق و گرمای خانه کارگر را قطع میکنند و به یک معنی حق حیات را از کارگر میگیرند، جمهوری اسلامی نه تنها مسئولیتی در قبال تهاجم کارفرما به کارگر قبول نمیکند، بلکه خودش مستقیماً همراه کارفرما در تحمیل این شرایط به کارگر و خانواده کارگر دخیل است. کارگر اعتراض میکند، نه تنها بخواستش جوابی نمیدهند، بلکه در پی پاپوش دوزیند که کارگر و رهبر و فعال کارگری را به زندان بیاورند و اعتراض او را برای محروم کردن از صرف زندگی روزانه درهم شکنند.

کارگران عزیز نساجی سنندج!

خواست شما همانند خواست و مطالبه دیگر کارگران در ایران و در سراسر جهان

عادلانه و برحق است، راستش کيفرخواستی است علیه سرمایه و دولتیهای مدافع آن و در ایران بطور مستقیم کيفرخواستی است علیه توحش اسلامی سرمایه. عدم پرداخت حقوق و مزایای کاری کارگر جرم است، محروم کردن کارگر از حق بیمه بیکاری مکفی تا یافتن کار و عدم پرداخت حق سنوات کامل به کارگر جرم است. خواست شما عزیزان از حمایت و پشتیبانی گرم و صمیمانه دیگر کارگران و مردم آزاده در شهرهای کردستان و دیگر نقاط ایران برخوردار است. واضح است حمایت و پشتیبانی دیگر کارگران و مردم شریف و آزاده نباید به همین حد محدود بماند، باید آن را گسترش داد. در همین حد نیز باید از این خواستها فراتر رفت. نباید به دولت و کارفرما اجازه داد که ما را از زندگی مناسب، از مسکن مناسب و کار یا بیمه بیکاری مکفی محروم کنند.

یک نتیجه گیری کوتاه

اعتصاب و اتحاد و همبستگی کارگران نساجی سنندج بر سر خواستهایشان ادامه دارد. کارگران حدود یک ماه است حقوق نگرفته اند، حتی اگر حقوق خود را نیز دریافت کنند از عهده خرج روزانه خودشان برنمیایند. با این حال و زیر فشار شدید زندگی روزانه با اعتماد به نفس اتحاد و همبستگی خود را حفظ کرده اند. رژیم و کارفرما برای درهم شکستن اتحاد و همبستگی کارگران فشار میاورند، تهدید میکنند، پاپوش میدوزند، در مقابل کارگران نیز مقاومت میکنند. جمهوری اسلامی و کارفرما در پی توطئه ای هستند که به این اعتصاب خاتمه دهند. کارگران نیز حین حفظ اتحاد و همبستگی محکم خود، درایت و انعطاف کافی دارند چه در مورد رسیدگی به خواستهایشان و چه در مواجهه و خنثی کردن شگردها و طرفندهای ضد کارگری رژیم و کارفرما. کارگران اعتصابی همچنین از حمایت گرم مردمی در میان مردم شهر سنندج، دیگر شهرهای کردستان ایران و دیگر کارگران و شخصیت ها و فعالین کارگری برخوردارند. دو روز قبل حدود ۲۵۰ نفر از کارگران و مردم شهر سقز توماری حمایتی از کارگران نساجی سنندج جمع کرده اند، عده ای از کارگران نیز تلاش کرده اند که در محل به دیدار کارگران اعتصابی بروند و حضوراً حمایت و پشتیبانی خود را به کارگران اعلام کنند. اعتصاب ادامه دارد، دولت و کارفرما در فکر تهدید و توطئه چینی اند، کارگران مصمم به ادامه اعتصاب خویشند. چند روز آینده روزهای سرنوشت سازی برای کارگران نساجی سنندج خواهد بود.

اقدامات

همانطور که قبلاً گفتیم تاکنون کارگران

نساجی سنندج از پشتیبانی و حمایت بخشهایی از کارگران و مردم سنندج سقز برخوردار بوده اند. تاکنون از طرف مردم شهر سنندج و در دو روز گذشته بخشهایی از کارگران و مردم سقز حمایت و پشتیبانی شده اند. اما اینها هنوز کافی نیستند، کارگران با کارفرما و رژیم وحشی و ضد کارگر رویرو هستند، برای پیروزی خود به حمایت و پشتیبانی بیشتری در شهر سنندج و دیگر شهرهای کردستان و ایران و همچنین جلب حمایت و پشتیبانی اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری و حمایت افکار عمومی در خارج کشور شدیداً احتیاج دارند. پیروزی کارگران نساجی سنندج گامی در پیروزی کارگران در سراسر ایران است. کارگران و مردم آزاده شهر سنندج و دیگر شهرهای کردستان ایران از هر طریق که امکان پذیر است، لازم است از کارگران نساجی سنندج حمایت کنند. تومار حمایت جمع کنند، برای اظهار حمایت خود حضوری با کارگران دیدار کنند، پشتیبانی و حمایت خود را به اطلاع افکار عمومی برسانند، و در صورت امکان به اتحادیه های کارگری در خارج کشور مستقیماً نامه اعتراضی بنویسند. کارگران نساجی سنندج را نباید تنها گذاشت، در خارج کشور ظرف امروز و فردا باید جنبید و سریعاً کاری کرد. روزهای آینده روزهای سرنوشت سازی برای کارگران و برای به سرانجام رساندن این اعتصاب است. این روزها برای دولت و کارفرما نیز تعیین کننده است. اعتصاب کارگران نساجی سنندج وارد دومین هفته خود شده است، در رسانه ها و افکار عمومی شهر سنندج کار چندانی نیست. دولت و کارفرما تنها راهشان این است که با خواست کارگران، بازگشت ۶ کارگر اخراجی به سرکار، پرداخت حقوق ماهانه و روزهای اعتصاب، خرج دوا و درمان و یک وعده غذای گرم برای کارگران موافقت کنند، خواستی حداقل و صرفاً برای زنده ماندن و ادامه زندگی روزانه کارگران. در غیر اینصورت با گسیل نیروهای سرکوبگر خود به میان کارگران اعتصابی، دیگر کارگران و توده مردم آزاده شهر سنندج و دیگر شهرهای کردستان ایران را به مصافی جدی در خیابانها دعوت میکنند. قطعاً کارگران و دیگر مردم آزادیخواه در سنندج، و دیگر شهرهای کردستان ایران سرکوب کارگران اعتصابی نساجی سنندج را که برای خواست برحق و عادلانه خود ناچار از اعتصاب شده اند، اجازه نخواهند داد. تنها راه دولت و کارفرما موافقت با خواستهای کارگران است.

۴ ژانویه ۲۰۰۵

۱۵ دیماه ۱۳۸۳

گفتگوی اسماعیل ویسی با حسام منتظری، ثریا خضری و عباس رضائی در باره نشست اول شورای کادرهای کمیته کردستان در باره این نشست و مباحثات و مصوباتش چه ارزیابی و تصویری دارید؟



ثریا خضری



حسام منتظری

تواناییهای خودشان را حفظ کرده اند و این برای من قابل تقدیر و ستایش است.

به یمن وجود همین رهبریت متشکل و منسجم، چپ و رادیکالیسم و کمونیسم جایگاه ویژه‌ای در کردستان داشته و توازن قوا بین مردم و حاکمیت همیشه و در تمام طول عمر جمهوری اسلامی با دیگر نقاط ایران متفاوت بوده است نمونه های بسیاری را میتوان مثال زد: از جمله هشت مارس ها و روز جهانی کودکی امسال. شخصا کنفرانس را موفق ارزیابی کردم، چرا که به تمام این توقعات پاسخ مثبت داد که در قالب یک رهبری توده‌ای هم نه مردم به جمهوری اسلامی را نمایندگی کند و هم در صف مقدم مبارزه با ناسیونالیسم و جنبش های ارتجاعی وابسته به ته مانده های حکومت و با حامی قدرتهای محلی قرار گیرد. انتظار بجاییست که در آینده شاهد دستاوردهای بزرگ این نشست باشیم چرا که هر زمانی سرنوشت مردم به سرنوشت رهبران واقعیشان گره بخورد، موفقیت‌های بزرگی بدست می آید همانطوری که ما در کوتاه مدت بعد از کنفرانس شاهد آزادی برادران حسینی بودیم که این پیروزی با تلاش و همدلی بی وقفه تمامی کادرها و اعضاء و رهبری حزب از جمله کمیته کردستان در کمپینی وسیع در سطح جهانی همراه بود.

قبل از اینکه به سوال شما پاسخ دهم اجازه میخواهم اول احساسم را در دقایق اولیسه جلسه برایتان بازگو کنم و آن اینست که با افتخار چهرهای تک تک حاضرین در جلسه را میدیدم که بسیاری از آنها بیش از دو دهه رهبران و کادرهایی محبوب و معتبر یک جنبش عظیم اجتماعی و سیاسی چپ و رادیکالیزم در کردستان بوده و منشی اثر در تمامی ارکان آن جامعه. راستش آن چیزی را که برای من غرور آفرین بود می توانم اینگونه بیان کنم که اگر شخصی در جریان تحولات بوجود آمده در چند ماه اخیر در حزب سابق و موجودیت حزب حکمتیست نمی بود و در آن جلسه حضور میداشت اصلا برایش ممکن نبود تشخیص دهد که جدائی صورت گرفته، چرا که زمین زیر پای کمیته کردستان سفت بوده و آنها با اکثریت قریب به اتفاق سر جای خودشان بوده و هستند و یکدست و همصدا ظرفیتها و

آرزوی واقعی من این بود که، نشست شورای کادرها در ایران و با حضور صدها فعال زن و مرد کمونیست و هزاران انسان تشنه آزادی و برابری و نیمی از جامعه که زنان و جوانان همنس و سال من را که چشم به دنیا گشودند و جمهوری ترور و خفقان اسلامی بالاسرمان بود، و حالا زندگی و سرنوشتشان به این حزب برای رهایی از این دکان چند نبش اسلام و خرافه و... گره خورده است، برگزار میشود. حال بگذار به انتظار و توقعات خودم برگردم و اینکه اساسا چه میزان از انتظارات من از این نشست برآورد شد. در نشست شورای کادرهای تشکیلات کردستان، ۱۳۰ نفر از فعالین کمونیست از رهبران بیش از ۳ دهه مبارزه سوسیالیستی در کردستان و در ابعاد سراسری در سطح ایران تا کادرهای جوانتر و از جمله نسل خود من شرکت داشتیم. در ضمن بدنبال دوشقه شدن حزب کمونیست کارگری ایران و لطمات سنگینی که صف و جنبش ما خورد، این اولین نشست شورای کادرهای تشکیلات کردستان بود. این جلسه بسیار مهم بود و میبایست در دوران سختی که به ما تحمیل شده بود میتوانست بسیار هوشیارانه و با کاردانی و روشنیینی لازم تصمیم میگرفت که چگونه میتواند به جنگ علیه ارتجاع اسلامی برود و همزمان چگونه

میتواند لطمات ایجاد شده را جبران کند و مشکلات موجود بر سر مبارزه آزادیخواهانه مردم را در جامعه کردستان بردارد و راه پیشروی آنرا هموار میکند. میدانم تشکیلات کردستان ما خوشبختانه با کمترین لطمات از بحران در حزب بیرون آمد و به حزب حکمتیستها پیوسته بود، اما ابعاد لطمات این انشقاق در هر حال در جامعه کردستان نیز تاثیرات بسزایی داشت. برای من مهم بود که نشست شورای کادرها بتواند با بحثهای روشن خود و طرح و برنامه و نقشه‌ای که برای پیشروی کمونیسم علی‌العموم و تبدیل حزب حکمتیستها به رهبر بشریت متمدن و معترض در جامعه کردستان علی‌الخصوص، به همه نشان دهد که کمونیسم منصور حکمت در شکل تحزب یافته خود و با حزیش کمر راست کرده و مثل گلوله‌ای آتش به جان جامعه می‌افند. برای من و توقع من از نشست تامین این امر و تبدیل آن به تصمیم و نقشه فعالیت طیف وسیعی از کمونیستها در جامعه کردستان بود که بخش قابل توجهی از آنها در جلسه حضور داشتند. به نظر من این نشست آغاز دیگری از عزم راسخ شخصیتها و فعالین جنبش کمونیستی و برابری طلبی در ایران و کردستان بود، که یک بار دیگر تایید بر یک واقعیت سیاسی موجود و فعال در صحنه سیاسی ایران گذاشتند که با اتخاذ سیاست، برنامه و نقشه عمل روشن دارد راه را برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد، برابر و در شأن انسان هموار میکند و با پراتیک اجتماعی و روزانه خود دارد اعلام میکند که ما باید رهبر نه

مردم به جمهوری ضد بشری اسلامی باشد. این نشست يك بار دیگر تأکید مجددی کرد بر رهبری، سازمان دادن و متشکل کردن این توان و نیروی مردمی که از دست سرمایه و دم و دستگاهای رنگارنگش، اسلام و حکومت ضد بشریش، تبعض و نابرابری زنانش، بیحقوقی کودکان و جوانانش، سنگسار، اعدام و شکنجه‌اش به جان آمده‌اند و می‌خواهند از دست این بختک، اسلام، خرافه، خدا و قرآنش برای همیشه نجات پیدا کنند. و به نظر من حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به درستی نماینده این صف رادیکال، کمونیست و برابری طلب جامعه است که نابودی کلیت این نظام را نشانه گرفته است و میخواهد بر ویرانه‌های آن جمهوری سوسیالیستی را بنا نهد. میدانید جامعه در حال تحول است، مردم عمیقا از جمهوری اسلامی و هر نوع حکومت مذهبی بیزارند. اگر چیزی در صحنه غایب است یا تامین نیست، وجود يك رهبری روشن و مورد قبول مردم است. رهبری که مردم قبول کرده‌اند و آن را انتخاب کرده‌اند که زیر پرچم آن و زیر رهبری آن میشود و میتواند جمهوری اسلامی را کنار گذاشت و زندگی آزاد و انسانی تر را تامین کرد. کمونیسم در کردستان قوی است و حزب ما جریانی دخیل و قدرتمند است، لذا تشکیلات کردستان آن میتواند نه تنها در سطح کردستان، بلکه در ابعاد سراسری نیز امکان انتخاب حزب حکمتیست را برای مردم مهیا کند یا حداقل در تامین این امکان نقش جدی ایفا کند.

منتشر شده است:

حکمت ۱

دوران زبان دفتر شماره ۱
آذر ۱۳۸۳
شماره ۱
ژانویه ۲۰۰۵

تیراژه ای نورنگ - سیاهی از حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

کتاب کمونیست و لغزت سیاسی
انتخاب در حزب کمونیست کارگری
بازار و تقابل دانشجویان کمونیست
لغزت کمونیست در کردستان لغزت مردم در تعیین تکلیف لغزت
بر ابعاد سراسری است
تیراژه سیاسی و انشادیه طبله کارگر
زبانهای فر باره معانی و برابری
نهادهای مدخلت و فرانسوی
کرده و کردستان دو جنبش دو نسوب
طیفهای اعلامی دوم خرداد
طبله کارگر آلمان و کارنامه
نویسندگان از تصمیم حکمت
مبارزه سیاسی و امرای انقلاب
دیروز و کار و راه و غیره

۱۴ دیماه ۸۳
۳ ژانویه ۲۰۰۵

توطئه کارفرما و دولت و مقاومت کارگران

اطلاعیه شماره ۷ کمیته سنندج حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

در مقابل، کارگران هم علیرغم طولانی شدن اعتصاب و فشار مالی کمرشکن و فشار و تهدیدهای پلیسی کارفرما و دولت، صفوفشان را روز به روز فشرده تر میکنند. حمایت‌های پشت سرهم از

اعتصاب کارگران نساجی کردستان دومین هفته خود را پشت سر میگذارد. کارفرما و دولت و استانداری و ماموران امنیتی رژیم مشغول تدابیر خودشان برای حل بحرانی هستند که بر اثر اعتصاب کارگران به آن دچار شده اند

کارگران و مردم سنندج و سقز و در ابعاد بین المللی مرتب میرسد و این موجب دلگرمی کارگران شده است. در حالیکه یکی از نمایندگان کارگران به نام آقای شیث امانی به دادگاه احضار شده، نماینده دیگر کارگران آقای هادی زارعی در مصاحبه امروزش با نشریه آسو، با اعتماد بنفس اعلام کرده است که اعتصاب کارگران تا تحقق خواسته‌هایشان ادامه خواهد داشت. کمیته سنندج حزب از حمایت کارگران و مردم

سنندج، از پشتیبانی صمیمانه کارگران و مردم سقز و نوشتن تومار حمایتی آنها، از دانشجویان و کارگران دیگر کارخانه ها و مراکز کار در سطح سراسری و از شخصیتها و نهادها و کلیه کسانی که به هر وسیله سمپاتی و دوستی‌شان را با کارگران اعلام کرده اند، صمیمانه قدر دانی میکند. به امید پیروزی کارگران نساجی کردستان و تحقق خواسته‌های عادلانه شان.

اتحادیه ای کارگری فنلاند در حمایت از کارگران نساجی سندج، به جمهوری اسلامی اعتراض کردند.

در پی فعالیتهای تشکیلات فنلاند حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست و تلاشهای اسماعیل ویسی دبیر این تشکیلات، اتحادیه کارگران ساختمانی نامه اعتراضی زیر را به خاتمی نوشت:

اخراجهای وسیع اعتراض کرده اند. مبارزه برای حفظ شغل و حقوق کامل و شرایط کار مناسب و انسانی از پرنسپهای جهانی هستند که باید مورد احترام قرار گیرند و این همه سازمانهای بین المللی کارگری را شامل میشود.

من از شما، آقای رییس جمهور میخواهم که اقدامات لازم را بکار گیرید تا اینکه حقوق کارگران نساجی به رسمیت شناخته شود. با احترام

رایمو پانیلا

دبیر امور بین المللی اتحادیه کارگران ساختمان فنلاند
۴ ژانویه ۲۰۰۵

ارتباط با احزاب چپ نیز به پرونده ایشان اضافه شده است. برهان دیوارگر ضمن رد اتهامات وارده، به شکنجه خود توسط مامورین اطلاعات رژیم در دوره بازداشتی اعتراض و خواهان حضور آنان در دادگاه شد. امروز صبح هادی تنومند از فعالین کارگری بوکان، در مراجعه به دادگاه در شهر سقز مطلع میشود که دادگاهی او نیز به دلیل

مرخصی اکبری به تعویق می افتد. طبق اطلاع گودینی رئیس دادگاه سقز گفته اعلام کرده که دادگاهی اسماعیل خود کام یکی دیگر از دستگیر شده گان مراسم اول مه سقز و یکی از فعالین کارگری شهر بوکان که قرار بود روز ۲۲ دیماه صورت گیرد نیز به بعد موکول خواهد شد. کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ضمن محکوم کردن هر نوع محاکمه فعالین کارگری و دستگیر شدگان اول مه سقز، کارگران و مردم مبارز سقز و شهرهای دیگر را به اعتراض علیه توطئه رژیم برای دادگاهی کارگران فرامیخواند.

۱۵ دیماه ۱۳۸۳

۴ ژانویه ۲۰۰۵

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴

ای میل:

khaledhaji@yahoo.com

روحیه خود را از دست نداده بود و همچنان خود را برای ایفای نقش تاریخیشان در آینده جامعه کردستان مصمم می دیدن این همه روحیه و این همه درایت در برخورد به آینده جامعه کردستان برای من قابل ستایش و تجربه ای بود فراموش نشدنی.

نکته سوم طرح پیشنهادی رفیق ایرج فرزاد در مورد گنجاندن بند مخالفت با فدرالیسم قومی در قطعنامه های از این بعد فعالان چپ و نهادهای مدنی در جامعه کردستان بود که به نظر من تیزبینی و حس انسان دوستی رهبرانی را می رساند که جامعه به آنها نیاز دارد و مردم می توانند سکان دارانی که بالغ بر ۳۰ سال است آنها را می شناسند و به آنها اعتماد دارند را هم چنان چهره های محبوب و رهبر جامعه خود بدانند.

نکته چهارم حضور چهره های جوان و کسانی بود که تازه به عضویت حزب در آمده بودند و این کنفرانس با تمام یک دست بودنش کنفرانسی بود که خیلی از چهره ها برای حتی فعالان قدیمی تازه بود و این گسترش سریع حزب کمونیست کارگری حکمتیست و کمیته کردستان آن را می رساند.

نکته آخر. من بیاد جمله ای از منصور حکمت افتادم که گفت (اینها قدرت سیاسی تمام داستان زندگی شان بوده است) و برایش روشن شد چرا حزب در کردستان دوشقه نشد و چرا ما در کردستان بی رقیبیم. ■

کارگران اعتراض کرده اند. طبق اطلاع هیئتی به نمایندگی از طرف امضاء کنندگان، به سندج رفته و ضمن حمایت از اعتصاب کارگران نساجی، طومار حمایتی خود را مستقیماً تحویل کارگران دادند.

همچنین بر مبنای اخباری که بدست ما رسید این طومار برای مسئولین دولتی ارسال خواهد شد. کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ضمن قهرمانی از حرکت کارگران و مردم مبارز سقز، مردم مبارز این شهر را به ادامه پشتیبانی و دفاع از کارگران اعتصابی به هر شیوه که مناسب میدانند و تا رسیدن به خواستههایشان فرامیخواند.

۱۴ دیماه ۱۳۸۳

۳ ژانویه ۲۰۰۵



عباس رضائی

چند نکته بنظر من جالب بود که سعی می کنم مختصر به آنها را اشاره کنم

نکته اول این بود که کنفرانس واقعیت جامعه کردستان ایران را منعکس و در مورد آن به بحث پرداخت. روشنتر بگویم امنظورم این است که احزاب ناسیونالیسم کرد را نادیده نگرفت و بر ضرورت مبارزه مستمر با این پدیده همزمان با جمهوری اسلامی تاکید گذاشت این بنظر من واقعیتی بود که کنفرانس باید در مورد آن بحث می کرد که این گونه شد واقعی بر خورد کردن با پدیده های موجود در جامعه کردستان نمونه ای جالب در سبک کار حکمتیستی کنفرانس و بر خورد واقعی با تمام واقعیت های موجود بود برای من تجربه ای بود در میانه نسلی که سالها مبارزه با ناسیونالیسم را تجربه کرده بود در میان کسانی که ناسیونالیسم کرد را شکست داده بودند ولی هنوز میدانستند که این جریان بشدت عقب افتاده می تواند دوباره رشد کند و جامعه کردستان را به بیراه بکشد و باید با آن مبارزه کرد

نکته دوم یک دست بودن این همه کادر و جو صمیمی و آماده بکاری بود که بعد از انشعاب اخیر

مصاحبه در باره نشست اول شورای کادرهای کمیته کردستان

از نظر من این نشست توانست بخش زیادی از رهبران و فعالین کمونیست کارگری را که توانستند در نشست شرکت کنند، همدل تر و همنظرتر برای پیشبرد نقشهای که به آن اشاره کردم آماده کند. نشست شورای کادرها تلاش کرد نشان دهد اوضاع از چه قرار است، ما کجا قرار گرفتیم و چه کارها و پروژههایی را باید پیش ببریم و چگونه پیش ببریم تا قدمهایی جدی به پیش برداریم و بتوانیم در تحولاتی که پیش رو داریم، هژمونی کارگر و کمونیسم را بر تحولات آتی در جامعه کردستان تامین کنیم. چیزی که برای من در این نشست جالب و امیدوار کننده بود، عزم جزم و اراده و همدلی لایه ای از رهبران و کادرهای شناخته شده و دست اندرکار جامعه کردستان برای ایجاد نقشی تاریخی در تحولات آتی بود. همچنانکه اشاره کردم این آغازی دیگر بود و البته قدمی جدی به جلو، ولی خود نشست هم به ما نشان داد که کلی کار در مقابل ماست و باید رفت و کار جدی کرد. ■

۲۵۰ نفر از کارگران و مردم مبارز سقز از کارگران نساجی سندج حمایت کردند!

هزینه درمانی کارگرانی که به دلیل آلودگی محیط کار دچار بیماری شده اند هستند. اعتصاب این کارگران تا حال چه در داخل و چه در خارج کشور با حمایت وسیع کارگران و مردم آزادیخواه روبرو شده است.

در شهر سقز بیش از ۲۵۰ نفر از کارگران بخشهای مختلف از جمله خبازیهای سقز، شهرک صنعتی قهرآباد، کارگران بیکار و جمعهایی از دانشجویان و مردم آزادیخواه، طی طوماری حمایت خود را از اعتصاب کارگران سندج اعلام و به اخراج این

اطلاعیه شماره ۲۱ کمیته سقز حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

طبق اطلاعیه های کمیته سندج ۴۲۰ نفر از کارگران نساجی کردستان در اعتراض به اخراج همکارانشان و برای رسیدن به خواسته های خود از تاریخ دوم دیماه ۱۳۸۳ دست به اعتصاب زده اند. کارگران از جمله خواهان بازگشت همکاران اخراجی، دادن یک وعده غذای گرم، لغو قراردادهای موقت، تامین امکانات بهداشتی و پرداخت